



دانشگاه باقرالعلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

وجوه سیاسی شعر  
فارسی  
از سده سوم تا  
پنجم قمری  
(با تاکید بر فردوسی)

استاد راهنما:

دکتر منصور می‌راحمندی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد تقی آل غفور

نگارش و پژوهش:

طاهره عزیزی

1387

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به مظهر عدل و داد

# امام علی (ع)

## چکیده

ادبیات ایران زمینی، چه شعر و چه نثر، بخش مهمی از تاریخ، فرهنگ، اندیشه و سیاست جامعه را در طول تاریخ بازگو می‌کند که متأسفانه در این حوزه، منابع معمولاً به لحاظ بررسی اندیشه و سیاست بکر باقی مانده است در تحقیق «بررسی وجوه سیاسی شعر فارسی» فرصتی دست داد تا به یکی از مهمترین اثر هنری و ادبی ایران و جهان نگاهی بیندازیم و از منظر شاهنامه، گذری بر اندیشه سیاسی در ایران باستان و الگوی شاهی آرمانی داشته باشیم با ورود به بحث دیدیم که بین اخلاق شهریاری و نظام سیاسی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد با کنکاش در نوع ارتباط بین این دو مولفه، به فرضیه پژوهش پاسخ داده شد نظام سیاسی مطلوب در سایه شهریاری و نظام سیاسی نامطلوب با وجود شهریاری بد محقق می‌گردد. پس در می‌یابیم نظام سیاسی کاملاً تابع اخلاق شهریاری می‌باشد.

## فهرست مطالب

6	.....مقدمه: طرح تحقیق
7	..... <u>بیان مسأله</u>
8	..... <u>علت انتخاب موضوع</u>
8	..... <u>سؤال اصلی پژوهش</u>
8	..... <u>فرضیه</u>
8	..... <u>مفاهیم و متغیرها</u>
9	..... <u>سؤالات فرعی</u>
9	..... <u>مفروضات</u>
9	..... <u>اهداف پژوهش</u>
9	..... <u>روش پژوهش</u>
9	..... <u>سابقه پژوهش</u>
10	..... <u>سازماندهی پژوهش</u>
<b><u>Error! Bookmark not defined.</u></b>	..... <u>فصل اول: چارچوب نظری</u>
19	..... <u>زندگی نامه فردوسی</u>
<b><u>Error! Bookmark not defined.</u></b>	..... <u>فصل دوم: رابطه شعر، و سیاست و اسطوره</u>

<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">«اسطوره» چیست؟</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">اسطوره و شعر</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">اسطوره و سیاست</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">فصل سوم: اخلاق شهريار و نظام سياسي مطلوب</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">دوگانگي در شاهنامه:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">اصل وجود شهريار نيک</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">روشنی و تیرگی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">شهرياری آرمانی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">اشای با راستی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">شهريار نيک</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">حد وسط</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">ویژگیهای شهريار</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">نژاد:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">فرّه ایزدی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">گوهر:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">هنر</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">خرد</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">شادی:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">دانش:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">بردباری:</a>

<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">سپاسگزاری:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">شرم</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">شهریار، واسطه فیض</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">ضمیمه</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">فصل چهارم: اخلاق شهریار بد و نظام سیاسی نامطلوب</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">دروگ</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">شهریار بد</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">نابخردی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">غم و اندوه</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">آز</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">نیاز:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">رشک:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">نمامی و سخن چینی:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">بی‌شرمی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">ناسپاسی</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">کی‌ن:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">کبر و خودسری:</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">ضمیمه</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">فصل پنجم: چرخه عدالت در شاهنامه</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">دولت - نگهدارنده سامان جهان</a>
<a href="#">Error! Bookmark not defined.</a>	<a href="#">الف) دستور</a>

Error! Bookmark not defined...... ب) سلطنت:

Error! Bookmark not defined...... 1 - شورای موبدان، بخردان و ستاره شناسان:

**defined.**

Error! Bookmark not defined...... 2 - نظارت شهریاری بر امور:

Error! Bookmark not defined...... سپاه - نگهدارنده سلطنت:

Error! Bookmark not defined...... رعیت - تولید کننده ثروت

Error! Bookmark not defined...... داد:

الف) داد، قرار گرفتن هر کس و هر چیزی در جای خودش است.

Error! Bookmark not defined......

Error! Bookmark not defined...... ب) داد میانه روی است

Error! Bookmark not defined...... بخشش یا دهش

Error! Bookmark not defined...... شهریاری و دین و داد

Error! Bookmark not defined...... مصادیق داد:

Error! Bookmark not defined...... الف) مدارا با مردم

Error! Bookmark not defined...... ب) احساس مسئولیت شاه در قبال رعیت:

**defined.**

Error! Bookmark not defined...... ج) خرد گرای

Error! Bookmark not defined...... نتایج داد:

Error! Bookmark not defined...... الف) امنیت:

Error! Bookmark not defined...... ب) آبادانی و آبادگری

Error! Bookmark not defined...... بی‌داد:

Error! Bookmark not defined...... ضمی‌مه



<u>Error! Bookmark not defined.</u> .....	نتیجہ گیری
<u>Error! Bookmark not defined.</u> .....	منابع و ماخذ
<u>Error! Bookmark not defined.</u> .....	<u>الف) کتابها</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u> .....	<u>ب) مقالات</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u> .....	<u>ج) منابع خارجی</u>

مقدمه:

# طرح تحقیق

## بیان مسأله

موضوع این پایان نامه بررسی و جوه سیاسی شعر فارسی در سده سوم تا پنجم قمری (با تاکید بر فردوسی) می باشد. در مقطع زمانی یاد شده شاعرانی می زیستند که بررسی و جوه سیاسی اشعار همه این شاعران در یک رساله امکان پذیری نبود از این رو شاهنامه فردوسی را نه تنها به عنوان برجسته ترین اثر این دوره بلکه شاهکار عظیم همه اعصار برگزیده می. اکثر شاعران همعصر فردوسی در دربار شاهان به مدیحه سرایی می پرداختند و لیکن منش فردوسی با مدح و ثنای شاهان همخوانی نداشت. فردوسی شاهنامه مثنوی را به نظم درآورد همانطور که می دانیم بخشی از ادبیات جهان را شعر تشکیل می دهد و فردوسی دارای ذوق و قریحه سرایش شعر بود. تبدیلی شاهنامه مثنوی به شاهنامه منظوم شایسته این دلیل باشد که شعر از نثر ماندگارتر و سرعت نشر و انتشار آن در مرزهای داخلی و خارجی بیشتر می باشد و همچنین دست شاعر در توضیح رویدادها و اشخاص باز است و به وسیله شعر بهتر می توان به تصویر کشید.

شاهنامه اثری سیاسی است و از جمله کتابهای می باشد که در نصیحت و اندرز به شاهان نوشته شده است. این کتاب به حکومت شهریاران می پردازد و به آنان توصیه می کند که چگونه فرمانروایی کنند تا دچار زوال و انحطاط نگردند.

این متن ادبی و حماسی در درون خود مفاهیم و واژگان بسیاری دارد. به تاریخ شاهان، منش و کردار شاهی می پردازد.

شاهنامه هنگامی نوشته شد که ایران زیر سم اسبان ترکان و تازیان به سر می برد. بزرگان

و اندی‌شمندان بسیاری در پی احیای فرهنگ ایران بودند و سلطنت شاهی در ایران از الگوی شاهی ایران باستان اقتباس شده بود و فردوسی در پی ترسیم الگوی شاهی ایران باستان برآمد تا هم مشکلات سلطنت آن روز را گوشزد کند و هم فرهنگ و اندیشه ایرانیان را برای سالیان دراز در ذهن مردم زنده نگه دارد.

### علت انتخاب موضوع

با توجه به این که نویسنده به کنکاش در شعر و ادب پارسی علاقه فراوان دارد و همچنین شعر و ادبیات ایران از جمله منابع بکر و دست نخورده می‌باشند (به لحاظ اندیشه‌شناسی) این موضوع توجه محقق را به خود جلب کرد. شاهنامه از جمله آثاری است که اطلاعات خوبی در زمینه مباحث اسطوره‌ای و تاریخی دارد.

کسانی که در زمینه افکار سیاسی در ایران تحقیق و یا تدریس می‌کنند می‌توانند از این پژوهش بهره ببرند و همچنین اطلاعاتی در اختیار ما قرار می‌دهد تا فرهنگ غنی ایران زمین را شناسایی کنیم.

### سؤال اصلی پژوهش

در شاهنامه چه رابطه‌ای بین اخلاق شهریاری و نظام سیاسی وجود دارد؟

### فرضیه

در شاهنامه نظام سیاسی تابعی از اخلاق شهریاری می‌باشد از این رو نظام سیاسی مطلوب از اخلاق نیک شهریاری و نظام سیاسی نامطلوب از اخلاق بد شهریاری ناشی می‌شود.

### مفاهیم و متغیرها

متغیر مستقل: اخلاق شهریاری

متغیر وابسته: نظام سیاسی

اخلاق شهریاری نیک = < نظام سیاسی مطلوب.

اخلاق شهری را بد= < نظام سیاسی نامطلوب.

### سوالات فرعی

- 1 - چه نسبتی بین شعر، سیاست و اسطوره برقرار است؟
- 2 - رابطه نظام سیاسی مطلوب با اخلاق شهری را بررسی نمایید؟
- 3 - رابطه نظام سیاسی نامطلوب با اخلاق شهری را بررسی نمایید؟
- 4 - چه تصویری از چرخه عدالت در شاهنامه وجود دارد؟

### مفروضات

- 1 - بین نظام سیاسی و اخلاق شهری ارتباط وجود دارد.
- 2 - شاهنامه فردوسی واجد آموزه‌ها و ایده‌های سیاسی است.
- 3 - شعر از عرصه‌های مهم بیان افکار و اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی است.

### اهداف پژوهش

بررسی تأثیر اخلاق شهری در کیفیت نظام سیاسی.  
فهم اندیشه و افکار سیاسی در شاهنامه  
بررسی نقش و جایگاه شاهنامه در متون و آثار ادبی.

### روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می باشد.

### سابقه پژوهش

در زمینه شاهنامه فردوسی مطالبی یافت شد که بیشتر مورد استفاده ادیبان و محققان در عرصه ادبیات فارسی است با ملاحظه آنان به این نتیجه رسیدیم که شاهنامه خود منبع غنی تحقیقی در زمینه تاریخ و فکر و اندیشه می باشد در باب بررسی اندیشه سیاسی در شاهنامه خلأ جدی وجود داشت که در این تحقیق در صددیم به آن بپردازیم.

### سازماندهی پژوهش

پایان نامه حاضر از یک طرح تحقیق و پنج فصل تشکیل شده.

فصل اول به چارچوب نظری می پردازد. که از کتاب ماکس وولر نوشته اسکینر بهره گرفته شده است. اسکینر در این کتاب اندیشه‌های ماکس وولر را بازخوانی می کند. در گذر زمان و تاریخ به آن می نگرد. عوامل و انگیزه‌های ماکس وولر را در نوشتن آثارش بررسی می نماید. در مورد فردوسی نیز می توان به این مسئله پرداخت چه عواملی سبب شد که فردوسی شاهنامه را بسراید مهمترین انگیزه فردوسی انحطاط فرهنگ ایران بود.

در فصل دوم به رابطه شعر، سیاست و اسطوره پرداخته است.

فصل سوم و چهارم رابطه نظام سیاسی با اخلاق شهری را بررسی می کند و در نهایت

در فصل پنجم تصویری از چرخه عدالت در شاهنامه ترسیم می شود.

فصل اوّل:

# چارچوب نظری

روش مد نظر در این پژوهش، روش اسکینر در مواجهه با فهم فلسفه سیاسی ماکساولی می باشد. ماکساولی از جمله شخصیتهایی است که برخی او را نفرت انگیز می دانند و بعضی دی گری را می ستایند. اسکینر برای فهم بهتر ماکساولی معتقد است که باید محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده بررسی نماییم آنگاه خواهیم توانست اندیشه های وی را به طور دقیق شناسایی کنیم و دلیل حمله بی سابقه وی را به اصول مسلم و متداول اخلاق در آن روزگار درک نماییم.

نی کولو ماکساولی روز سوم مه 1469 در شهر فلورانس به دنیا آمد. پدرش برناردو، حقوقدان، با اهتمام تمام پسرش را در هفت سالگی برای خواندن لاتین نزد استاد مائو فرستاد در آموختن لاتین مشوق پسر بود. دوران تحصیلات خود را در دانشگاه فلورانس به پایان برد و به کمک استادش آدریانی وارد خدمات دولتی گردید. نخستین فرصت برای ماکساولی حضور در دربار لویی دوازدهم پادشاه فرانسه و تصمیم به اعزام، معلول گرفتاری های فلورانس در جنگ با شهر پیزا بود.

فلورانس در جنگ شکست خورد ماکساولی شش ماه در دربار فرانسه ماند. بی ش از آنکه از سیاست های فرانسه مطلع گردد به وضع نامشخص دولت شهرهای ایتالیایی پی برد. نخستین پندی که او گرفت این بود که دستگاه حکومتی فلورانس به نظر هر کسی که در مکتب جدی د سلطنت آموزش دیده باشد به طور غیر منطقی و مضحکی مردد و سست جلوه گر می شود. ماکساولی مشاهده کرد احساس اهمیتی که فلورانس می کند به نظر فرانسویان مغایر با واقعیات وضع نظامی و ثروت آن شهر است. به شورای حکومتی فلورانس متذکر گشت که



فرانسویان تنها برای کسانی ارزش قائلند که درست مسلح باشند. یا حاضر باشند پول بپردازند. ماک‌اولی این پندها را آویزه گوش کرد.

نوشته‌های سیاسی پخته او پر از هشدار در این باره است که امروز و فردا کردن شرط خردمندی نیست و کسی که مردد و نامصم به نظر برسد با خطر روبه‌رو می‌شود. باید جسورانه و سریع عمل کند... ماک‌اولی 1500 م به وطن برگشت.

در رومانی قدرت‌های ظهور کرد چزاره بورجا فتوحاتی انجام داد و طالب اتحاد با فلورانس‌ها شد. مامور انجام این ماموریت در 1502 م ماک‌اولی بود. وی توانست مستقیماً ناظر شیوه کشورداری روزگار خویش باشد و به ارزیابی آن بپردازد.

داوری‌های قطعی وی درباره بی‌شتر رهبرانی که او جریان شکل‌گیری سیاست‌های ایشان را از نزدیکی مشاهده کرده بود محصول همین دوره است. در طی ماموریت چهار ماهه، ماک‌اولی و بورجا با هم به گفتگو می‌نشستند. ماک‌اولی گزارش داد که بورجا در داوری موجودی فوق‌انسانی است و خویشتن را بر کسب هر چه می‌خواهد توانا می‌بیند. مهار همه چیز را شخصاً به دست دارد و با نهایت پنهان‌کاری و رازپوشی فرمان می‌راند. وی در کتاب شهری‌ار، بر دلاوری‌ها و توانایی‌ها و اراده بی‌نظیر بورجا تکیه می‌کند و لیکن درباره اعتماد به نفس شگفت‌انگیز او احساس نگرانی می‌کرد و می‌گوید: حکومتش غیر این که بخت با او یاری کرده پایه‌دی‌گری ندارد.

در 1503 هنگامی که به سفارت رم اعزام شد شک و شبهه‌اش به این احساس قوی تبدیلی شد که بورجا به راستی دارای توانایی‌های محدود است. پاپ الکساندر ششم و بعد او جانشینش یکماه بعد درگذشت. بورجا از نامزدی کاردینال رو — وره پشتی‌بانی کرد. وی انتخاب شد و نام یولیوس دوم را برای خود برگزید. ماک‌اولی احساس می‌کرد که بورجا دوران‌دیشی نکرده که از خطر نهفته در پشتی‌بانی از رو — وره غافل مانده است. پدر بورجا، رو — وره را باجبار به مدت ده سال تبعید کرد و یقیناً این موضوع به این سرعت فراموش نشده

که اکنون بخواهد نسبت به اتحاد با پسر دشمن قدیمی خویش نظر خوش داشته باشد مهمترین ایراد ماکي اولی این بود که بورجا با وجود چنین وضع مبهم و خطرناکی هنوز با غرور به اقبال خوش خود تکیه می کند.

پس از دو هفته حکم فرماندهی بورجا از جانب پاپ نرسید و در سراسر متصرفات او در رومانی مردم سر به شورش برداشتند ماکي اولی با لحنی گزنده گزارش داد که دوک از ضربه‌هایی که بخت بر او وارد کرده و وی عادت به چشیدن آنها نداشته گیج و مبهوت شده است.

رهبر متنفذ دی‌گری که ماکي اولی توانست از نزدیکی او را ارزیابی کند پاپ جدی‌د، یولیوس دوم بود، ماموریت اول بن اوت و اکتبر 1506 به او دستور داده شده بود که شورای حکومتی فلورانس را از پیشرفت برنامه‌های جسورانه یولیوس برای پس گرفتن بروجا و بولونی نا مطلع گرداند. دومین فرصت در 1510 هنگامی که ماکي اولی مجدداً به سفارت دربار فرانسه گسیل شد پاپ عزم کرده بود بربرها را از ای‌تالی‌ا دور کند و این سودا فلورانسی‌ها را در تنگنا قرار می داد. زی‌را از طرفی نمی‌خواستند پاپ را برنجانند و از طرف دی‌گر متحد فرانسه بودند و فرانسه در این جریان حتماً از آنها کمک خواهد گرفت در بیم و امید به چاره‌گری برای حفظ بی‌طرفی فلورانس پرداخت.

در جنگ اول پاپ موفق شد اما در 1510 یولیوس نا بخردانه تصمیم به جنگ با نیروهای چیره‌گر فرانسوی گرفت و انتقادهای ماکي اولی شروع شد این جریانات خوشامد ماکي اولی نبود. وی می‌گوید راست است که یولیوس با حرکت بی‌پروای خود به هدفی رسید که هیچ پایی حتی با نهایت حزم و دوراندیشی بشری هرگز به آن نرسید. اما تنها به دلیل کوتاهی عمر او بوده که ما اکنون احساس می‌کنیم وی باید از رهبران بزرگ به شمار رود. اگر زمانی فراهم می‌شود و وی آرام به کارش می‌پرداخت اسباب سقوطش مهیا می‌شد.

ماکي اولی توانست فرمانروای مهم دی‌گری یعنی ماکسی می‌لی‌ان، امپراتور مقدس روم را

از نزدیکی عیارگیری کند به گمان وی امپراتور دارای این ضعف اساسی است که روی هم رفته بسیاری بی اراده و دهن بین است همه درباره رفتار او گیج و بلا تکلیف باقی می مانند. ماکس اولی سرانجام بعدها این داوری را محور تحلیل رهبری سیاسی خود قرار داد. در جریان زندگی و فعالیت های دیپلماتیک چنین بصیرتی را پیدا کرده بود. ماکس اولی مشاهده کرد که ویولیوس پیش از انتخاب شدن به مقام جدی، تاکید می کرد که مردی صادق و یکدل است. بنابراین خویشتن را بدون قید و شرط متعهد می داند که با بورجا در تماس بماند تا بتواند به عهد خود وفا کند ولی همینکه احساس امنیت کرد بلافاصله زیر تمام وعده های خود زد دستور داد او را دستگیر و در کاخ پاپ زندانی کنند. ویولیوس دوم پس از اینکه در نبردهای 1511 در تنگنا افتاد. پیمان اتحادی بست که چهره ای تالی را دگرگون ساخت. وی با فردی ناد، پادشاه اسپانی، قراردادی موسوم به «اتفاق مقدس» امضا کرد تا بر ضد فرانسه از آنها حمایت کند. همین که کارزار آغاز شد پیاده نظام اسپانی به ای تالی سرازیر گشت نخست جلوی پی شروی فرانسویان را گرفت و آنها را عقب راند سپس به سوی فلورانس روی آورد. فلورانس جرأت ایستادگی در برابر فرانسه و در نتیجه اعلام پشتیبانی از پاپ را به خود نداده بود و اکنون می دید که بهای سنگین باید در ازای این اشتباه پردازد. سودرینی رهبر فلورانس گریخت و مدیچی ها بعد از 18 سال وارد شهر شدند. ماکس اولی به اشتباه در معرض اتهام به شرکت در توطئه ای نافرجام علیه حکومت خاندان مدیچی قرار گرفت و پس از تحمل شکنجه های سخت به زندان و پرداخت جرم های سنگین محکوم شد.

در اوایل سال 1513 خاندان مدیچی روی کار آمدند. ماکس اولی از زندان آزاد شد و موفق به کسب مقام دولتی نگشت سرخورده و ناامید به مزرعه کوچک خود رفت و شروع به بازاریابی منظم درباره تجارب خود در دیپلماسی تاریخ و نهائاً قواعد کشورداری کرد و کتاب شهری را نوشت و برای توجه سروران مدیچی به آنان اهدا نمود. البته بدون شک

دلمشغولی ماک‌اولی روشن کردن این نکته نزد مدی‌چی‌ها بوده که او مردی شایسته کارگماری و اهل تخصص است که نادیده گرفتنش دلیل بر نادانی می‌باشد. در اهدائی‌ه کتاب شهری‌ار، ماک‌اولی بتاکی‌دی‌آور می‌شود که برای تشخیص ص روشن سیرت شهری‌اران، شخص ناظر لازم نیست خود یکی از شهری‌اران باشد بلکه باید از زمره خلایق به شمار رود. تأملات خود را به دو جهت دارای ارزش استثنای می‌دانست: نخست او بر تجارب دراز خویش در قضای‌ای اخیر که حاصل سالهای متمادی و رنجها و خطرهای فراوان است تاکی‌دی‌می‌کند سپس با غرور و مباهات متذکر احاطه خویش از جهت نظری و علمی بر فن کشورداری می‌شود که همزمان در نتیجه خواندن دائمی تاریخ باستان به دست آمده است.

ماکی‌اولی در فصل ماقبل آخر کتاب شهری‌ار به بحث درباره قدرت بخت در امور آدمیان می‌پردازد و نحوه پرداخت وی نشان می‌دهد که دارای نگرشی اومانیستی است. عموماً برای اطلاع از تحلیلهای عالمانه به مورخان و اندرزگران روم باستان روی می‌آورد.

اندرزهای ماک‌اولی به شهری‌اران جدی‌دی‌به دو بخش تقسیم می‌گردد. نخست بتی‌اد اصلی همه دولتها را قوانین خوب و ارتش شایسته می‌داند. ارتش خوب حتی از قوانین خوب مهمتر است. زیرا وجود قوانین نیکو بدون ارتش شایسته امکان‌پذیر نیست و اعتقاد دارد که به سپاهیان خارجی مزدور نمی‌توان امید بست. حکومت باید به شهروندان خود تکیه کند و ارتش مرکب از شهروندان تشکیل دهد.

دوم پند دی‌گر ماک‌اولی گذشته از سپاهیان خوب، توجه به شهری‌اری است که بخواهد به اوج افتخار و جاه برسد باید صفات لازم را برای رهبری شاهانه در خود بی‌وراند.

پایه انقلاب ماک‌اولی در اندرزنامه نگاری برای شهری‌اران تعریف جدی‌دی‌او از مفهوم محوری «وی‌رتو» بود. وی‌رتو نام آن دسته از صفاتی است که شهری‌ار را قادر به اتحاد با بخت و کسب شرف و افتخار و نام بلند می‌سازد.

اندرزنامه نوی‌سان دوره رنسانس اعتقاد داشتند طریقه عادلانه‌ای که شهری‌ار باید در

پیش بگردد همان طریقی اخلاق است صداقت را بهترین سیاست می دانند.

ماکی‌اولی نظرات این گروه را نقد می کند و می گوید شهریاریار خردمند در مرتبه اول آنچه را ضرورت اقتضا می کند راهنما می گیرد. غالباً ضروری است که برخلاف راستی، محبت، انسانیت و دین رفتار کند. اگر بخواهد حکومت خویش را پایرجا نگاه دارد. ماکی‌اولی اهمیت این نکته را نخستین بار در یکی از مراحل اولیه فعالیت دیپلماتیک دریافت پس از گفتگوی با کاردینال شهر ولترا در 1503 و دو سال بعد صحبت با پاندولفو پتروتچی احساس کرد که باید اعتقادی را که بعدها محور نظریات سیاسی او شده به ثبت برساند. آن اعتقاد این بود که رمز موفقیت در کشورداری، باز شناختن نیروی برتر اوضاع و احوال و پذیری رفتن ضروریات وقت و همگام شدن با روزگار است.

در سال 1506 پی شرفتهای شگفت انگیزی ویلوس دوم را در جنگ می دید. مهار هر یک از ما به دست استعداد خاصی است که طبیعت به هر کسی ارزانی می کند اما روزگار تغیری می کند و تابع دگرگونیهای بسیاری است و کسانی که شیوه کردار خود را تغیری نمی دهند بناچار گاهی با بخت نیک و گاهی با بخت بد روبرو می شوند. برای مواجهه شدن به بخت نیک، باید با زمانه سازگار شد.

با این توضیح می توان دریافت که چرا ماکی‌اولی چنین ستایشی نسبت به چزاره بورجا احساس می کرد بورجا در یک مورد هول انگیزی نشان داده بود که اهمیت بی همتای اجتناب از کینه و نفرت مردم و در عین حال حفظ احساس هیبت و اعجاب در دل آنان را کاملاً درک می کند در آن موقع پی برد که حکومتش در رومانی که در کفالت مردی با کفایت ولی جبار مانند ری می رو است با بالاترین خطر روبه رو می باشد بدین معنا که کم کم هدف کینه و نفرت مردم تحت حکومتش قرار می گیرد ماکی‌اولی به چشم خود شاهد راه حل قساوت آمیز بورجا برای این مسأله بود و دید که چگونه فوراً ری می رو به قتل رسید و جسدش به عنوان قربانی خشم مردم در میدان شهر به نمایش گذاشته شد.

ماکی‌اولی در گفتارهای سه‌گانه‌اش، به بسیاری چیزها در امور کشوری و لشکری جمهوری روم باستان پرداخت. هدف ماکی‌اولی پی بردن به این نکته است که آنچه موقعیت چیره‌گر جمهوری دوم را امکان‌پذیر ساخت چه بود؟ وی این مدعای اومانیست‌ها را تایید می‌کند که هر کسی وضع کنونی و قدیم امور را بسنجد باسانی در می‌یابد که همه شهرها و همه مردمان خواسته و خصایص یکسان دارند. مطالعه روی داده‌های گذشته توان پیش‌بینی روی داده‌های آینده را بالا می‌برد. اگر علت کامیابی روم قدیم را بیابم شاید ما نیز بتوانیم همان موفقیت را تکرار کنیم. وی کامیابی روم را در یک جمله بیان می‌دارد. «تجربه نشان می‌دهد که شهرها هرگز به افزایش قلمرو و ثروت کامیاب نشده‌اند مگر هنگامی که در آزادی به سر برده‌اند». در سراسر این بحث پیداست که افکار ماکی‌اولی همواره در اساس متوجه سوانحی است که بر شهر زادگاه خودش گذاشته است. هر گاه متذکر یکی از جنبه‌های ضروری رهبری توأم با وی‌رتو می‌شود. مکثی می‌کند تا بگوید که انحطاط و سقوط آن عمدتاً معلول بی‌توجهی به این صفت حساس بوده است. رهبر برخوردار از وی‌رتو باید بداند که حسودان چگونه معامله کند ولی نه ساوونارولا قادر به چیره شدن بر حسد بود و نه سودری‌نی، در نتیجه هر دو سقوط کردند.

هنوز دیری نپایید در سال 1520 ماکی‌اولی به دربار مدیچی معرفی شد و رسماً از طرف خاندان مدیچی مأمور نوشتن تاریخ فلورانس گشت. موضوع اصلی تاریخ فلورانس فساد است ماکی‌اولی تشریح می‌کند که چگونه فساد بر فلورانس چیره و آزادی را خفه کرد. دو زمینه را عامل فساد تشخیص می‌دهد. نخست خطر دائمی فساد در حل و عقد سیاستهای بی‌رونی است که نشانه آن تمایل به بی‌تصمیمی و تردید و بزدلی روز افزون در امور نظامی می‌باشد.

دوم: افزایش فساد عمدتاً به صورت دشمنی‌های داخلی بروز می‌کند.\*

ملاحظه کردیم که اسکینر چگونه به بازخوانی آثار ماکس اولی پرداخت. زمی‌نه‌های تاریخی و اهدافی که باعث شده نویسنده آنها را بنویسد بررسی نمود. ماکس اولی اوایل سمتی دی‌پلماتیک داشت و توانست برخی مسائل را از نزدیکی درک کند. این دوران کمک زیادی به وی کرد تا زمی‌نه‌های اولیه اندیشه‌های وی شکل گیرد و بعد از مدتی به عنوان یک ناظر خارجی قضایا را مشاهده و توانست براساس تجربیات، مطالعات علمی و کنکاش‌هایش آثار خود را بنگارد. ماکس اولی در صدد بود تا ببیند که «آدمیان چه می‌کنند. نه اینکه چه بایند بکنند». روم باستان چه سازوکارها و راهکارهایی در موقع حساس به کار می‌بردند تا نسخه‌هایی برای وضعیت آشفته دولتشهرهای ای‌تالی با به خصوص فلورانس بپیچد.

براساس این روش، اهداف و انگیزه‌های فردوسی را در نگارش شاهنامه کاوش کردیم. ابتدا شمه‌ای از داستان زندگی فردوسی و پردازش شاهنامه را بیان می‌نماییم.

### زندگی نامه فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی در شهر باژ از حومه طوس به دنیا آمد. هیچ مولفی سال تولدش را ذکر نکرده است. برخی محققان و شاهنامه پژوهان با اشاره به ابیاتی در مورد سال ولادتش حدس‌هایی زده‌اند.<sup>1</sup>

از این پس که پیمود پنجاه و هشت به سر بر، فراوان شگفتی گذشت

\*\*\*

چو برداشتم جام پنجاه و هشت نگیرم به جز یاد تابوت و طشت

\*\*\*

\*. کوئتنین اسکینر، ماکس اولی، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، طرح نو، 1372.

1. ابوالقاسم فردوسی، دیوان شاهنامه فردوسی، به کوشش ژول مول، ج اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی 1374، چاپ ششم.

بدانگه که بدسال پنجاه و هشت نوان تر شدم چو جوانی گذشت

\*\*\*

فریدون بیدار دل زنده شد زمین و زمان پیش او بنده شد

58 سالگی شاعر با دو حادثه تاریخی همراه بوده است. نوح بن منصور که نظم شاهنامه در دوره او و احتمالاً به امید پادشاه از وی آغاز شد. در 14 رجب 387 درگذشت. در همان 58 سالگی، محمود یکی از سرداران سامانی یاغیان در قلمرو سامانیان را شکست داد و خراسان به دست او افتاد. از این قرائن این حدس قوت می‌گیرد که 58 سالگی فردوسی مقارن به همان قدرت یافتن محمود در 387 است. پس تولد او در سال 329 هـ.ق. بوده است. در مورد تاریخ تولد فردوسی یا 4 تا 9 سال تاخیر اختلاف نظر وجود دارد.<sup>2</sup>

فردوسی از دهاقین طوس بود. به قول نظامی عروضی «در آن دیه شوکتی تمام داشت چنانکه به دخل آن ضیاع از امثال خود بی‌نیاز بود»<sup>3</sup> و خود فردوسی نیز به رفاه حال خود در جوانی اشاره می‌کند و هم به فقر و تنگدستی که بعدها دچار آن شده بود.

الا ای برآورده چرخ بلند چه داری به پیری مرا مستمند  
چو بودم جوان برترم داشتی به پیری مرا خوار بگذاشتی  
مرا کاش هرگز نه پروردیا چو پرورده بودی نیاز ردیا

و نیز

به جای عنانم عصا داد سال پراکنده شد ما و برگشت حال

فردوسی تخلص شعری این شاعر بزرگ است که خود نیز در شاهنامه خود را به همان تخلص خواند کنیه او به اجماع روایات ابوالقاسم بوده و شبهه‌ای در آن نیست ولی اسم وی معلوم نیست. به اختلاف حسن، منصور و احمد نامیده شده در ترجمه عربی شاهنامه باقی مانده

2. محمد امین ریاحی، فردوسی، تهران، طرح نو، 1375.

3. نظامی عروضی، چهار مقاله.



از سنه 620 هجری اسم فردوسی منصور بن حسن ثبت شد.<sup>4</sup>

از احوال پدرش جز این که ملک و ضیاع کافی داشت. هیچ چیزی در دسترس نیست. ابوالقاسم جوان از تربیت و همچنین از مکتب این پدر بهره قابل ملاحظه‌ای برد. البته مکتب او با گذشت زمان از بین رفت و حتی تا دوران پیری خود او نیز نرسید. اما تربیت عالی اشرافی او در شاهنامه انعکاس یافت و باقی ماند و او را شایسته عنوان حکیم کرد. نشان حکمت هم در جای جای حماسه عظیم او باقی ماند.

معنی دهقان در عصر فردوسی و در شاهنامه او ایرانی تبار (در برابر ترک و تازی) و نیز مالک روستا با رئیس شهر بوده، و دانایی و دل آگاهی یا دهقانی ملازمه داشته است. دهقانان طبقه نجیب زادگان و فرهیختگان و حافظان آداب و سنن و خاطرات باستانی ایرانی بودند. فرزندان خانواده‌های دهقانی در پرتو رفاه نسبی که داشتند و با برخورداری از آموزگاران شایسته، با دانش و اخلاق و آشنا به تاریخ و فرهنگ و سنتهای ایرانی به بار می‌آمدند. آزادگی و گردنفرازی فردوسی، و فضیلت اخلاقی وی حاصل تربیت خانوادگی‌اش بود.<sup>5</sup>

فردوسی در سن بیست و پنج سالگی ازدواج کرد. زنش هم به احتمال قوی از خانواده‌ای اصیل و تربیت یافته بود. چرا که خواندن و نوشتن می‌دانست و این امر در جامعه آن روز خراسان و ایران نظیر نداشت و حاکی از امتیازی بود.

ناخرسندی از آنچه در طوس و در تمام خراسان از دست سپاهیان ترک و کارگزاران تازی می‌گذشت در خانه دهقان باژ می‌راث دیرینه‌ای بود که دهقان و پسرش را از آمیزش با دستگاه‌های دیوانی و لشکری مانع می‌شد. آیین شیعی که درین خانواده ظاهراً سابقه‌ای قابل ملاحظه داشت. خانه دهقان را کانون نفرت از خلیفه عباسی و از کارگزاران تازی که از بین مهاجران عرب در طوس و مرو و نیشابور برگزیده می‌شدند می‌ساخت.

4. محمد امین ریاحی، فردوسی، تهران، طرح نو، 1375.

5. عبدالحسین زرین کوب، نامور نامه، در باره فردوسی و شاهنامه، تهران، سخن، 1381.

فردوسی جوانی خود را در سالهای گذرانید که با سیاست مدارا جویی و آزاد اندیشی و فرهنگ دوستی سامانیان آزادی تفکر برقرار بود و پیروان هر اندیشه و آئینی به آسایش می‌زیست و حضور گروه‌های با اندیشه‌های متنوع و آزادی بحث و نظر می‌ان آنان موجب شکفتگی اندیشه‌ها بود. شاهنامه فردوسی یادگار فضای فکری آزادی است که روزگار اوج دانش و فضل در ایران بود. شاهنامه در سرفصل یک تحول فکری و فرهنگی در ایران و پایان یک عصر و آغاز عصر دیگری پدید آمده است در خراسان عصر سامانی که فارغ از تسلط فقیهان دستگاه خلافت بود.

در سالهای که در بغداد حسین منصور حلاج را به دار می‌کشی‌دند و پی‌کرش را می‌سوزانی‌دند در اینجا در پرتو بی‌مداری و خردورزی و آزاد اندیشی حکیمانی چون فارابی، بیرونی، رازی و ابن سینا ظهور می‌کردند. اما در آخرین سالهای حیات فردوسی با قدرت یافتن محمود فضای خراسان هم رنگ بغداد را گرفت.

حکیم فردوسی هفده ساله بود که در 346 (هـ. ق) با اراده و کوشش پهلوان خردمند دهقان نژاد ابومنصور محمد بن عبدالرزاق شاهنامه متثور را فراهم آمد. در آن روزگار سواد خواندن و نوشتن منحصر به افراد اندک شماری بوده و کاتبان اندک شمارتر بودند ناچار خواننده باسواد دفتر ابومنسوری را برای دی‌گران می‌خواند.

شاهنامه ابومنسوری بسیار زود شهرت یافت و مقبول خاص و عام شد. بیست سال هم گذشت تا ابومنصور محمد بن احمد دقیقی شاعر جوان نامدار از مردم طوس به فرمان نوح بن منصور سامانی به نظم درآوردن آن را آغاز کرد. دقیقی تنها هزار بیت از پادشاهی گشتاسب را سروده بود که به دست غلامی کشته شد و شاهنامه او ناتمام ماند. فردوسی در دی‌باچه منظوم شاهنامه می‌گوید:

همی خواند خواننده بر هر کسی

همان بخردان نیز و هم راستان

چو از دفتر این داستانها بسی

جهان دل نهاده برین داستان

جوانی بیامد گشاده زبان  
سخن گفتنی خوب و طبعی روان  
به شعر آرم این نامه را گفت من  
ازو شادمان شد دل انجمن  
جوانیش را خوی بد یار بود  
همه ساله با بد به پیکار بود  
بدان خوبی بد جان شیرین بداد  
نبود از جهان دلش یک روز شاد  
برو تاختن کرد ناگاه مرگ  
نهادش به سر بر یکی تیره ترگ  
یکایک ازو بخت برگشته شد  
به دست یکی بنده برگشته شد  
برفت او و این نامه ناگفته ماند  
چنان بخت بیدار او خفته ماند

فردوسی بعد از مرگ دقیقی می‌ل شدیدی پیدا کرد تا کار بزرگ وی را خود به دست

گیری.

که این نام را دست پیش آورم  
ز دفتر به گفتار خویش آورم  
پرسیدم از هر کسی بیشمار  
بترسیدم از گردش روزگار  
مگر خود درنگ نباشد بسی  
بباید سپردن به دیگر کسی  
برین گونه یک چند بگذاشتم  
سخن را نهفته همی داشتم  
ندیدم کسی کش سزاوار بود  
به گفتار این مرا یار بود

به دست آوردن منبع کار، شاهنامه مشور آسان نبود. شاعر مصمم در بدر به جستجوی کتاب

و پرسیدن از این و آن کوشید و چون ابومنصور بانی گردآوری شاهنامه فرمان از دربار بخارا داشت و خاندان سامانی خود را وارث خسروان باستانی می‌دانستند و مروج زبان و فرهنگ ایرانی بودند. احتمال می‌رفت که در دربار نسخه‌ای از آن وجود داشته باشد به سوی بخارا حرکت کرد. ولی کن حدس وی به هیچ وجه درست نبود. در بازگشت به طوس یک دوست مهربان متن ابومنصوری را در اختیار او نهاد و قول همه گونه یاری و پشتیبانی را در انجام این کار بزرگ به او داد. این دوست، منصور بن محمد معروف به امیرک منصور پسر ابومنصور محمد بن عبدالرزاق بود.

به شهرم یکی مهربان دوست بود  
که با من تو گفتی زیک پوست بود

مرا گفت خوب آمد این رای تو      به نیکی خرامد همی پای تو  
نبشته من این دفتر پهلوی      به پیش تو آرم مگر نغنوی  
گشان زبان وجوانیت هست      سخن گفتن پهلوانیت هست  
شو این نامه خسروان باز گوی      بدین جوی نزد مهان آبروی

فردوسی سرودن شاهنامه را در آن سالها که موج ای‌ران دوستی بالا گرفته بود آغاز کرد. سراسر شاهنامه مبین آرمان سیاسی و ملی خاندان سامانی بود که خود را وارث ساسانیان و بانی تجدید استقلال ای‌ران و حیات بخش سنن ملی و فرهنگی ای‌ران می‌دانستند و اگرچه بظاهر از خلیفه بغداد اطاعت می‌کردند اما فلسفه حکومتی آنان مخالف خلافت عباسی بود. دانش پروری و شعر دوستی امی‌ران سامانی و وزی‌ران آنها و آزاد اندیشی حاکم بر آن سالها مشوق دانشمندان و شاعران بود. رودکی به نحوی که فردوسی در شاهنامه آورده کلیله و دمنه را به امر نصر بن احمد به نظم درآورد. فردوسی در عصر نوح دوم پسر منصور به نظم درآوردن متن ابومنصوری را آغاز کرد و می‌توان تصور کرد که آوازه پادشاهان سامانی در شعر دوستی و علاقه آنها به داستانهای باستانی این امید را به فردوسی می‌داد که بعد از پایان کار، کتاب خود را به پادشاه شایسته‌ای از آن خاندان تقدیم نماید.

از قول دوست خود امیرک منصور بی‌ان می‌کند.

مرا گفت کاین نامه شهریار      گرت گفته آید به شاهان سپار

نخستین تدوین شاهنامه در دوره نوح دوم پسر منصور مقارن با ضعف دولت سامانی که نشانه‌هایی از زوال آن دولت پدیدار بود در 25 اسفند سال 384 به انجام رسید.

سر آمد کنون قصه یزدگرد      به ماه سفندارمذ روز ارد  
زهجرت به صد سال و هشتاد و چار      به نام جهان داور کردگار

این تدوین بیشتر داستانهای پهلوانی را در برداشت که طراوت و شادابی جوانی سراینده از بیت بیت آنها می‌تراوید. قسمت تاریخی (دوره ساسانیان) در آن به اختصار بی‌ان شده بود.

در 381 هـ ق. که القادر بالله خلیفه متعصب سختگیر به خلافت رسید تحریرات بر ضد سامانیان بالا گرفت در 384 نوح دوم برای سرکوبی سرداران از سبکتگین یاری خواست و مخالفان را شکست داد و به سبکتگین و پسرش محمود لقب بخشید و حکومت خراسان را به محمود داد. سال دی‌گر دو سردار یاغی بازگشتند و محمود را ناگزیر به ترک خراسان کردند. اما سبکتگین به یاری فرزند آمد و بار دی‌گر در نبردی نزدیک طوس یاغیان شکست خوردند و گریختند از این به بعد دی‌گر خراسان تابع سامانیان نبود. در 389 ایملگ نصرقراخانی به بخارا تاخت فقیهان سنی پای‌داری در برابر ترکان را به عنوان اینکه اسلام آورده‌اند خلاف شرع اعلام کردند. مهاجمان بخارا را گرفتند و عبدالملک و برادرش منصور را نابی‌نا کردند و سایر شاهزادگان را به اسارت گرفتند و بدین ترتیب دولت ایرانی سامانی در 389 هـ ق. زوال یافت.

با مرگ سبکتگین پدر محمود در 387 راه سلطنت محمود هموار شد. اگرچه ابتدا برادر کوچکترش اسماعیل حکومت غزنه را یافت اما در 388 محمود برادر را برکنار کرد و از خلیفه منشور حکومت غزنه و خراسان را گرفت.

فردوسی شاهنامه (تدوین دوم) را در دوره سلطنت محمود غزنوی به پایان برد. شاهنامه به دربار غزنه رسید، ولی محمود نگاهی بدان نمی‌فکند و در آخرین لحظه همه امی‌دهای شاعر بدل به نومی‌دی شد. این رازی است که طی هزار سال فرو بسته مانده است. بعضی گفته‌اند: اتهام فردوسی مدح گبرکان یعنی شاهان و پهلوانان قدیم ایران بوده است. این دلیل جزئی از حقیقت را در خود دارد اما تمام حقیقت نیست از مدایح فرخی و عنصری در می‌یابیم که محمود ترجیح می‌داد که او را برتر از شاهان و پهلوانان باستان بشناسند.<sup>6</sup>

6. نقد افسانه فردوسی و محمود، مجله کلک، آذر 69، ص 5 - 16.

در تاریخ سیستان هم می خوانیم «محمود گفت: همه شاهنامه خود هیچ نیست مگر حدیث رستم. و اندر سپاه من هزار مرد چون رستم هست. فردوسی مردانه جواب می دهد. «زندگانی خداوند دراز باد، ندانم اندر سپاه او چند مرد چون رستم باشد؟ اما این دانم که خدای تعالی هیچ بنده چون رستم دی گری افرید!»

فردوسی وقتی تصمیم گرفته بود که شاهکار عظیم خود را به نام محمود کند. هنوز جهان با نهاد و سامان بود و محمود سیاست سامانیان را دنبال می کرد و فضل بن احمد اسفراینی بر مسند وزارت نشست بود و به راه بلعمیان می رفت. اما با تغیری سیاست محمود، اسفراینی در تنگنا افتاد و در سال 401 احمد بن حسن می مندی بر جای او نشست. اسفراینی در 402 به زندان و در 404 هـ.ق. کشته شد.

می مندی برای خوشامد دستگاه خلافت و شاید با فشار آن، دستگاه دواوین را از پارسی به تازی گردانی د. می مندی همین قدر اجازه داد که زبان فارسی فقط در صورت احتیاج مبرم به کار رود. اکنون دی گری محمود برای خوش آمد دستگاه خلافت تظاهر به دینداری می کرد و از مدایح شاعران دربارش بر می آید که از نگهداشت آداب و رسوم ایرانی از آن جمله جشنهای باستانی که در میان مردم با جلال و شکوه برگزار می شد ناخشنود بود. در این اوضاع فقیهان دربار محمود و فریفتگان خلافت بغداد چگونه می توانستند شاهنامه را تحمل کنند. وصول آن هم به دربار غزنه مقارن با اوج اعتلای سیاست تازی گرای و اطاعت بی قید و شرط محمود از خلافت بود.

محمود که شاعران مدیحه پرداز را از مال دنیا بی نیازی می کرد. حماسه ملی ایران را خوار شمرد و حتی نگاهی هم بدان نکرد. فردوسی در ابیاتی که در دو جای به شاهنامه افزوده، بخت بدخویش و حسد بدگویان و بدگوهران را علت رفتار محمود شمرده است و یکی از بدگویان احمد بن حسن می مندی وزی مقتدر و با نفوذ محمود می باشد.

پایان این سی سال که مواجه با دوران پیری شاعر بود. مقارن با بروز قحطی و گرانی

فوق العاده‌ای شد که ظاهراً تجربه آن‌ها عواقب و تبعات دردناک آن شاعر خسته را به فکر آن انداخت که شاید با اهدای کار عمر سی ساله به درگاه سلطان نه فقط برای زندگی سخت خود سرمایه‌ای حاصل کند بلکه شاید به همشهری‌های خود نیز که احیاء یک نظام آبیاری استوار، می‌توانست آنها را از قحطی‌ها و سختی‌های مشابه برهاند و آنگونه که تا مدتها بعد از مرگ شاعر در افواه شایع بود اقدام به بنای یک سدّ عظیم در اطراف طوس از سالها پیش جزو آرمانهای اجتماعی بود، نیز از محل آنچه عطای سلطان که توقع داشت در مقابل این هدیه عالی، تا حدی مناسب، این سدّ رؤیایی را بسازد که مایه امید و موجب رفاه و خرسندی همشهریانش باشد.

اینکه بعدها و پس از مرگ شاعر پیر چیزی از جانب سلطان غزنه برای تحقق بخشی‌دن به این آرمان عاید خانواده وی شد در اذهان باقی ماند و اگر درست باشد که بعد از مرگ شاعر، جایزه ناهنگام سلطان به توس رسیده باشد نشان می‌دهد که حتی یک دربار آکنده از تحریک و توطئه و مستغرق در اندیشه غارت و مال اندوزی نیز، عظمت و جلال هدیه‌ای را که شاعر در سالهای نومی‌دی و پیری و شاید به امید حفظ و بقای نسخه‌ای که جز خزانه سلطان نمی‌توانست آن را حفظ کند و به وسیله ناسخان در معرض یک نشر محدود قرار دهد، بدان اهدا کرده بود. به رغم عکس العمل خشونت آمیز و ناشی از تعصب و خست سلطان که ارزش شاهنامه را معروض تردید و سؤال کرده بود ناچار شده بود، با ارسال هدیه‌ای سلطانی برای شاعر تا حدی خود را از اتهام قدرشناسی نسبت به کار عظیم یک حکیم، مورخ و شاعر بزرگ عصر، تبرئه کند.<sup>7</sup>

---

زندگی نامه فردوسی از منابع ذیل اقتباس شده است.

1- محمدامین ریاحی، فردوسی، تهران، طرح نو، 1375.

2- عبدالحسین زرین کوب، نامور نامه: درباره فردوسی و شاهنامه، تهران، سخن، 1381.

3- رکن الدین همایونفرخ. شاهنامه و فردوسی، ج اول، تهران، اساطیر، 1377، چاپ اول

4- ابوالقاسم فردوسی، دیوان شاهنامه فردوسی، به کوشش ژول مول، ج اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1374، چاپ ششم.

درنهایت، اوضاع سیاسی دوران فردوسی را می توان به صورت ذیل نتیجه گیری و خلاصه کرد.

فردوسی متعلق به جریانی است که در پی احیای تفکر تمدن و فرهنگ ایران زمین بودند. وی در قلمرو ادب، با محور قرار دادن ایران باستان دست به سرودن شاهنامه زد. زمینه های سیاسی - اجتماعی و فکری آن دوران را به طور مختصر بیان می کنیم.

حمله اعراب در دوران افول، ضعف و انحطاط سیاسی ساسانیان، منجر به سقوط آنان گردید. با ورود اعراب به ایران تحت تاثیر فرهنگ ایران قرار گرفتند. با پایان عصر خلفای راشدین با نفوذ فرهنگ ایران حتی آنان از الگوی شاهنشاهی ایرانی تقلید کردند.

به دلیل دانش اندک آنان، از ایرانیان در امور حکومت داری و وزارت استفاده نمودند و تکیه اعراب بر شمشیر ترکان، آرایش نیروهای سه گانه را در ایران تکمیل کرد. اعراب از یک طرف و ترکان از طرف دیگر در ایران حضور داشتند. تجربیات و دانش ایرانیان همواره خلفا را در دوراهی قرار می داد. به آنان در امور مملکت داری نیازمند بودند از سوی دیگر تاب تحمل برتری آنان را نداشتند. در این دوران قیامهای علییه تازیان روی داد. حکومت های ایرانی تبار روی کار آمدند. طاهریان با دوران دیشی، برخی کارها را با مسالمت جوی علییه خلافت انجام دادند. صفاریان به شمشیر خود تکیه و بعد سامانیان سلطنت را قبضه کردند. با ضعف و سستی سامانیان غزنویان بر آنان چیره شدند و بر شرق ایران مسلط گشتند. در سرزمین های غربی ایران خاندان بویه جان گرفتند. قلمرو بوییان کانون مبارزه بر ضد تازیان بود و در راه احیای فرهنگ و تمدن ایران می کوشید.

دلیل زوال پادشاهی سامانی، گرایش به اندیشه های عقلانی زیر لوای فلسفی و میل به اندیشه های باطنی و اسماعیلی بود. اندیشه های خردگرایی و باطنی گری پیوندی ناگسستنی داشتند. ال بویه نیز به نوعی تشیع فلسفی متمایل بودند. در این دوره رابطه میان پادشاهان ایرانی و خلافت تغیری یافت آنان نه تنها بر بغداد بلکه بر تمامی امور قلمرو خلیفه فائق



آمدند. بوی‌یان توانستند ضربه‌های کاری بر مشروعیت خلافت وارد و ایران را از نیروی جاذبه خلفا رها کنند. سلطان غازی با تصرف سرزمینهای سامانیان به فرمانروایی آنان پای‌ان داد. خلیفه القادر شعار احیای سنت را سر داد. نخستین پاسخ از جانب سلطان محمود بود. القادر، هیأتی را به دربار سلطان محمود روانه و پیشنهاد کرد تا نبرد مشترکی را علیه باطنیان و معتزله آغاز کنند. بوی‌یان تاجایی که می توانستند از مذهب اهل سنت و جماعت به عنوان اساس و شالوده سلطنت بهره گرفتند و تفسیر خاصی از دیانت صورت گرفت که ابزاری برای توجیه کردارهای سلطان و اعمال قدرت مطلق او به کار می‌رفت. مشروعیت قدرت سیاسی در زمان فرمانروایی سامانیان و بوی‌یان از اندیشه‌های عقلی و دیانتی فلسفی بر می‌آمد. اما با چیرگی ترکان پی‌کاری جدی با عقلانیت آغاز شد.<sup>8</sup>

با مطالعه شاهنامه به چند نکته اساسی می‌رسیم و می‌توانیم درک کنیم که چرا سلطان محمود نسبت به شاهنامه بی‌اعتنایی نمود.

شاهنامه درباره فکر و اندیشه شاهی در ایران باستان می‌باشد. اول اینکه سلطان محمود ایرانی اصیل نیست پس همواره در ذهن خود احساس قرابت با فرهنگ ایران نمی‌کند. وی مهاجمی است که به سلطنت سامانیان که در اصل ایرانی بودند پای‌ان داد. فردوسی با ترسیم شهریاری نیک در قلمرو ایران به لحاظ نظری و عملی، ترکان و تازیان را از این قلمرو دور می‌کند و لایق شهریاری در ایران نمی‌داند و همچنین فردوسی می‌داند که شاهان از الگوی شاهنشاهی ایران تقلید، ولی پایه‌های اساسی فکری و نظری آن را رها کردند و فردوسی اعتقاد دارد عمل بر پایه نظر استوار است. پس روح سلطنت آن روز متفاوت از الگوی ایرانی بود و شاهنامه می‌تواند نقدی بر سلطنت آنروز باشد.

و دلیل دیگر این که فردوسی شیعه اسماعیلی است و توجه اساسی به خور دارد در

---

8. سید جواد طباطبایی، *زوال سیاسی در ایران*، تهران، انتشارات کوی، 1375، صص 111 - 87.

صورتی که سلطان محمود با خرد و خردورزی مبارزه می کند.

رساند خرد پادشا را بکام	خرد دارد ای پیر بسیار نام
خرد دور شد درد ماند و جفا	یکی مهر خوانند و دیگر وفا
بلند اختری زیرکی داندش	زبان آوری راستی خواندش
که باشد سخن نزد او پایدار	گاهی بردبار و گاهی رازدار
از اندازه‌ها نام او بگذرد	پراکنده اینست نام خرد
خرد بر همه نیکوییها سرست	تو چیزی میدان کن خرد برترست
که چشم سر ما نبیند نهان <sup>۹</sup>	خرد جوید آگنده راز جهان

در نتیجه سلطان محمود با بی‌مهری تمام، با فردوسی در اثرش روبه رو می‌شود ولی‌کن چندی بعد عظمت شاهنامه به قدری بود که حتی وی نتوانست به بی‌اعتنایی خود ادامه دهد. صله‌ای برای فردوسی فرستاد و افسوس این که صله زمانی رسید که فردوسی دعوت حق را لبیک گفته بود. روحش شاد.

در این نوشتار درصددیم اندیشه سیاسی در شاهنامه را بررسی کنیم و با الگوی شاهی ایران باستان آشنا شویم مسلماً جستجو در شاهنامه و پی بردن به اندیشه سیاسی آن تحسین همگان را برخواهد انگیزد.

9. شاهنامه، مسکو، ج 7، (پادشاهی بهرام گور)، ص 405، ابیات 1763 - 1757.